

**** بازی چیست و چه کاربردی در درمان دارد؟ ****

نظریه پردازان مربوط به رشد کودک بر این باورند که چهار سال اول زندگی، دوران مهمی در روند رشد کودک است و در شکل گیری شخصیت و ویژگی های بدنی او نیز نقش مهمی را ایفا می کند .

فرد در این سن مستعد پذیرش محیط است.

تحقیقات نشان می دهد که توجه به فعالیت های روانی و اجتماعی کودک توانایی او را برای یادگیری بالا می برد . توانایی های کودک برای یادگیری بیشتر به خاطر نیاز او به وجود یک مکمل می باشد و به منظور بدست آوردن این مکمل، وی نیازمند اندکی هدایت است. بایستی گفت که هیچ تمرینی نمی تواند زمانی که کودک از نظر سیستم عصبی به حد مطلوبی نرسیده ، وی را قادر به نشستن و یا ایستادن بکند ، از طرف دیگر تاخیر در کسب این مهارت ها امکان دارد به سبب محرومیت کودک از تجربی که به منظور کسب این توانایی ها می بایستی وجود داشته باشد ، رخ دهد. تعریف مورد قبول و عامی برای بازی وجود ندارد، بایستی گفت که هر کس از آن تعبیری دارد، اما بطور کلی هر آن چه بدون در نظر گرفتن سود و زیان و بدون زور و اجبار انجام شود، بازی نامیده می شود.

کودکان در مرحله حسی و حرکتی ارتباط بیشتری با اشیا برقرار می کنند، آن ها دوست دارند با اشیا در تماس باشند و حتی قبل از شناسایی آن ها را احساس کنند، ببینند و بو بکشند. اشکالات عمده ای که در آموزش پیش می آید ، از فراموش کاری ما در برآوردن این چنین نیاز ها و ضروریاتی سر چشمه می گیرد .

" پیازه " گفته است : " نمی توانید پیش از آن که کودک به سطح رشدی مناسب برسد ، به وی یاد دهید که ادراکات لفظی داشته باشد ، بایستی روشی برگرفته از عمل رانه کار برد " کودک پیش از دبستان چون هنوز از نظر گفتاری رشد کاملی نیافته است، گفتار برای او وسیله ای نارسا و ضعیف است .

بنا بر این در این مرحله برای کمک به یادگیری کودک بایستی از روش های غیر کلامی استفاده کرد و آموزش پیش از دبستان بایستی تأکید بیشتری بر بازی داشته باشد و در تدوین برنامه درسی و آموزش کودکان به عنوان یک اصل مورد استفاده قرار گیرد. کوشش هایی که برای تقسیم بازی به بخش های کوچک و مستقل انجام شده بازده چندانی نداشته است و مورد قبول همگان قرار نگرفته است ، برخی آن را به سه و برخی دیگر به چهار ، شش و هشت نوع تقسیم کرده اند. این مشکل هنگامی حل می شود که بگوئیم کودک در طی بازی حداقل به چهار نوع آگاهی در مورد خود و اشیا می رسد :

او در مورد اشیا موجود در محیط اطلاعاتی کسب می کند، خصوصا در هنگام انجام بازی های حرکتی و بازی کردن با بلوک ها ، اسباب بازی های، شن و خاک . در مورد طرح ، حجم و شکل اشیا چیزهایی را یاد می گیرد و ارتباط و تفاوت اشیا را کشف می کند و از روی رنگ، شکل و اندازه قادر به طبقه بندی اشیا می شود و یاد می گیرد که به وسیله این اشیا چه کارهایی را می توان انجام داد و چه کارهایی را نمی توان انجام داد.

در مورد سایر افراد اطلاعاتی بدست می آورد، خصوصا به وسیله بازی های نمایشی و ایفای نقش های گوناگون مانند: نقش های دکتر ، پدر و مادر ، پلیس . از همه مهمتر این که کودک یاد می گیرد که دیگران می توانند عملکرد و عقاید کاملا متفاوتی داشته باشند .

در مورد خود اطلاعاتی کسب می کند، چون در بازی های نمایشی احساسات و خواسته هایش را نشان می دهد و با هر تجربه جدید کودک چهره دیگری از خود نشان می دهد و با کسب هر مهارت جدید به کشف جدیدی نیز نایل می شود و تجربه ای را که قبلا نداشته است ، کسب می کند .

از لحاظ فیزیکی نیز رشد می کند و به کمک بازی عضلات کوچک و بزرگ خود را تقویت می کند ، استفاده از اسباب بازی های مختلف نیز این امر را تسهیل می کند.

**** کاربرد بازی در درمان ****

بازی درمانی روشی است که به کمک آن به کودکان دارای مشکل کمک می شود ، تا با ناراحتی هایشان مقابله کنند و بازی به عنوان ابزاری برای برقراری بین کودک و درمانگر مورد استفاده قرار می گیرد این شیوه بر پایه ی فرضی اصلی استوار است که می پندارد ، بازی فرایندی است که با استفاده از آن کودک ، نخست من را از غیر من جدا می کند و با جهانی فراتر از خود ارتباط برقرار می کند . کودک از طریق بازی با محیط خود ارتباط برقرار می کند.

بازی درمانی وظیفه دشوار روان درمانی کودک را در متن بازی بر عهده دارد. از آن جا که کودکان به شیوه ای متفاوت از بزرگسالان رفتار و تفکر می کنند ، روش برخورد با آنان بایستی انعکاس دهنده این تفاوت ها باشد . بازی درمانی روش های خود را با استفاده از تکنیک های بازی به گونه ای برداشت کرده است که با استفاده از آن ها بتواند به صورت نمادین با کودک ارتباط برقرار نماید.

از حدود سال های (۱۹۲۰) بازی درمانی مورد استفاد قرار گرفت . این فعالیت زمانی اتفاق افتاد که "آنافرود" (۱۹۲۶/۴۶) از بازی های و اسباب بازی به عنوان وسیله ای برای برقراری ارتباط با کودکان مراجعه کننده به وی ، استفاده کرد . روان تحلیل گر دیگری که در زمینه کودک فعالیت می کرد ، "ملانی کلاین" (۱۹۳۲) بود که از بازی های کودکان به عنوان پایه ای برای ترجمان خواسته های کودک استفاده می کرد واز سایر پیشگامان بازی درمانی می توان به " دیوید لوی" (۱۹۳۸) اشاره کرد.

کودکانی که به بازی درمانی فراخوانده می شوند، به روش خاص خود بازی را انتخاب می کنند و آن را با اسباب بازی ها ، اشیاء و یا سایر وسایل موجود در محیط اجرا می کنند. ارتباط بین دنیای بازی و دنیای واقعی در چنین زنانی بسیار مشخص و آشکار نیست . در اصل می توان گفت ، که در هر دوی این دنیا ها زندگی می کنیم . اهمیت بازی های تخیلی به این دلیل است که کودک جهانی را خلق می کند که بر آن تسلط دارد و در آن حضوری قدرتمند را تجربه می کند .

بازی درمانی محیط مناسبی برای فعالیت های کودک فراهم می آورد که می تواند آزاد و غیر محدود کننده ، و در عین حال قابل کنترل باشد و براین اساس درمانگر می تواند در مورد توانایی های کلی کودک در زمینه تخیلات و ادراکات فردی و اجتماعی آگاهی نسبی بدست آورد . بازی درمانی در اتاق بازی انجام می شود ، اتفاقی که به صورت ویژه ای طراحی شده و میلمان و دکوراسیون آن نیز اسباب بازی هایی است که کودکان به عنوان یک ابزار برای انجام بازی و ایجاد حالت های حسی به کمک درمانگر مورد استفاده قرار می دهند . والدین نقش مهمی در روند بازی درمانی دارند و در تقویت این فرایند نقش مهمی را ایفا می کنند . درمانگر به صورت منظم والدین را ملاقات می کند تا درک درستی از اتفاقات زندگی کودک داشته باشند و آنان را برای درک درست بازی کودکانشان یاری دهند .

امروزه دیگر بازی درمانی رویکردی بر مبنای حدس ، آزمون و خطا و یا شمش بازی درمانگر نیست . بلکه رویکردی بسیارسنجیده است ، فلسفه آن کاملاً روشن است و پایه های رشدی آن مشخص بوده و تحقیقات نیز به رشد آن کمک می کنند . بازی درمانی رویکردی برای کمک به کودکان برای مواجهه و غلبه بر مشکلاتی است که در زندگی خود با آن روبرو می شوند . شاید ماه ها وقت لازم باشد تا یافته های جدید و پژوهش های انجام شده مورد مطالعه قرار گیرد . فقط در دانشگاه تگزاس ۲۰۰۰ مقاله چاپ شده در مجلات معتبر در ارتباط با این موضوع وجود دارد، این آمار مربوط به سال (۱۹۹۶) است و تا کنون این تعداد حتماً بیشتر شده است . در جریان بازی ، کودک خود مدیر و راهنما است و قاعده می سازد ، اقدام به خلق جهانی می کند که بر آن تسلط می یابد ، مهارت های اجتماعی را از آن طریق بیان می کند . از طریق بازی درمانی نیز کودک به صورت نمادین بر ضربه ها و فشارهایی که احساس خوشحالی را از وی سلب کرده است ، فایق می آید.

يك درمانگر تربيت شده و آموزش ديده محتويات استعاره اي بازي ها را درك مي كند و فرصت مي دهد كودكان مشكلاتشان را نشان دهند و خود به جستجوي راه حل بپردازند ، بازي شيوه اي طبيعي براي ياد گيري، رشد و بيان خود است.

** سيد علي صمدي - مدرس درس بازي و حركت درماني دانشگاه علامه طباطبائي
**

** فصلنامه پيك بازي - ۴ **